



اندیشه توسعه در عربستان سعودی

(۲۰۲۲-۲۰۱۵)؛

تقابل نهاد قدرت با نهاد مشروعیت دینی

محمد محمودی کیا^۱

درجه مقاله: علمی-پژوهشی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۳/۰۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۸/۲۱

^۱. استادیار گروه اندیشه سیاسی در اسلام، پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی، تهران، ایران- mahmoodikia@ri-

khomeini.ac.ir

چکیده

هر چند اندیشه توسعه در عربستان سعودی طی چند دهه اخیر مطرح بوده و مظاهر تمدنی این پیشرفت در این کشور مشهود است، اما به واسطه تصلب اندیشه دینی حاکم بر این کشور و درهم تنیدگی آن با خاندان سیاسی حاکم، موجب تقویت جایگاه سنت در عربستان سعودی شده است. با روی کار آمدن نسل جدید رهبران سعودی و تلاش آن‌ها برای تقویت جایگاه عربستان در جهان و نیز خروج این کشور از وابستگی به نفت، شاهد اصلاحات گاه ساختارشکنانه و در تضاد با سنت‌های رایج در فرهنگ دینی محافظه‌کار و نص‌گرای حاکم بر این کشور هستیم. این تحقیق با کاربست روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها و نیز با بهره‌گیری از روش مطالعه اسنادی در مقام جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز در هر یک از سطوح تحلیل و نیز سنجش روایی آن از طریق سنجش نخبگانی، در پی ارائه پاسخ به این سؤال است که آیا اندیشه توسعه در عربستان سعودی می‌تواند به تقابل نهاد قدرت با نهاد مشروعیت دینی در این کشور بیانجامد؟ یافته این تحقیق حکایت از آن دارد که نیروی توسعه در عربستان سعودی متأثر از اراده رهبری سیاسی این کشور بوده و اساساً در جریان سلفیسم وهابی، ظرفیت طرح و تعقیب اندیشه توسعه به شکل مرسوم وجود ندارد و به یک معنا، از حیث گفتمانی نمی‌تواند مولد اندیشه پیشرفت باشد. لذا، تداوم سیاست‌های توسعه‌نگر نخبگان حاکم ایجاب می‌نماید تا نهاد مشروعیت دینی هم‌چنان مثنی محافظه‌کارانه خود را حفظ نموده و در جهت تأیید فرامین نهاد قدرت و مشروعیت‌بخشی آن عمل نماید. طبعاً این موضوع می‌تواند به افزایش نارضایتی وهابیون معترض و به طور خاص وهابیون جهادی و در نتیجه، افزایش تنش‌ها میان این بخش از وهابیون با وهابیون محافظه‌کار درباری در آینده نزدیک منجر شود.

• واژگان کلیدی

عربستان سعودی، اندیشه توسعه، نهاد قدرت، وهابیت، تراحم منافع.

مقدمه

اندیشه حکمرانی توسعه‌گرا با روی کار آمدن نسل جدید رهبران محلی و نیز با تکیه بر منابع سرشار درآمدهای نفتی و تجاری طی دهه‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس تبدیل شده که کشور پادشاهی عربستان سعودی نیز با روی کار آمدن محمد بن سلمان در مقام ولیعهد و نخست‌وزیر این کشور در تلاشی شتابان برای جبران فاصله خود از رقبای منطقه‌ای و نیز ارتقای سطح این کشور به جامعه‌ای توسعه‌یافته است. با این حال، رویکرد توسعه‌خواهانه محمد بن سلمان در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی، حساسیت نهاد سنت را برانگیخته است؛ نهادی راهبردی که از ابتدای تأسیس پادشاهی سعودی، یکی از ارکان تأثیرگذار قدرت در این کشور به‌شمار می‌آید و ساختار سیاست و قدرت را در هم‌پیوندی با آل سعود شکل داده‌اند. لذا، این ویژگی موجب می‌شود هر اقدام و یا تلاش سیاست‌گذارانه در عربستان، نیازمند جلب نظر وهابیون حاکم باشد. با این وصف، در طی سال‌های اخیر شاهد بروز تحولاتی در عرصه سیاست، اجتماع و فرهنگ در جامعه عربستان هستیم که هیچ‌سختی با بافت و روحیه سنت‌گرایانه متعصب وهابی حاکم بر این کشور ندارد و این امر می‌تواند گویای سمت‌گیری جدیدی در میان نخبگان جدید این کشور است که در تلاش هستند تا عربستان را از یک کشور سنت‌گرا، مصرف‌کننده، با الگویی از توسعه نامتوازن، به کشوری پیشرو در عرصه اقتصاد دانش‌بنیان، دموکراتیک و به یک معنا توسعه‌یافته تبدیل نمایند. از این منظر می‌توان نوعی شکاف و دوگانگی میان الگوهای اندیشه‌ورزی دینی با سیاست‌های اعلانی و اعمالی نخبگان حاکم را مورد شناسایی و مطالعه قرار داد.

با توجه به که عربستان سعودی از دیرباز خود را در یک عرصه رقابتی تنگاتنگ با جمهوری اسلامی ایران بر سر مسئله رهبری جهان اسلام و نیز دستیابی به قدرت قاعده‌سازی در منطقه جنوب غرب آسیا می‌بیند و تلاش دارد با تأکید و برجسته‌سازی دوگانه‌های اسلام شیعی - اسلام سنی، مانع از رشد نفوذ جمهوری اسلامی و گفتمان اعتدالی آن در جهان اسلام شود، اهمیت این تحقیق روشن می‌شود. به بیان دیگر، مطالعه دقیق روندهای جاری در عربستان می‌تواند کلید فهم سیاست‌های آینده این کشور در قبال موضوعات مهم منطقه‌ای و بین‌المللی باشد. لذا شناخت دقیق اندیشه توسعه‌خواهانه، کارگزاران، لوازم و محدودیت‌های احتمالی آن در این کشور می‌تواند به فهم دقیق‌تری از ماهیت کنش سیاست خارجی عربستان سعودی منجر شود.

هم‌چنین مطالعه دقیق فرایند توسعه، لوازم و چالش‌های آن و نیز رصد دائمی چگونگی توزیع قدرت میان بازیگران عمده در عرصه سیاست و قدرت در عربستان سعودی می‌تواند ماهیت کنش احتمالی در عرصه روابط خارجی این کشور را نمایان ساخته و با بهره‌گیری از یافته‌های این دست مطالعات، از منافع ملی پاسداری و کنش سیاست خارجی کشور را در شیوه‌ای بهینه هدایت نمود.

بر این اساس، چنان‌چه سیاست‌های جدید توسعه‌خواهانه در عربستان، بدون توجه به خواست و یا با مخالفت جریان سنت‌گرای این کشور در حال اجرا باشد، این امر می‌تواند به معنای بروز یک شکاف جدی میان ارکان قدرت در این کشور به نفع نخبگان حاکم و به زیان جریان سنت‌گرا تلقی شود. طبعاً هرگونه تغییر در وزن کنش‌گران عمده در عرصه سیاست داخلی سعودی، می‌تواند حائز تبعات بر دیگر لایه‌های حکومت و نیز رفتار آن در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی باشد. لذا، چنانچه این دگرگشت در حوزه عمل، ناظر به عبور نخبگان حاکم از محدوده تنگ قرائت و هابیت از اسلام و به نوعی نشانه‌ای از عمل‌گرایی در این کشور تلقی شود، این مسئله می‌تواند منشاء تغییرات دیگر در ساخت سیاست و امنیت در منطقه خاورمیانه شود. به‌نظر می‌رسد اندیشه پیشرفت در این کشور محصول اقتدار چندوجهی نخبگان حاکم در این کشور است و نهاد رسمی شریعت در این کشور که عمدتاً در قالب مفتی اعظم و یا نهاد هیأت کبار العلماء نمایان می‌شود، نقشی محافظه‌کارانه داشته و وفق شرایط دیدگاه‌های پیشین خود را تعدیل می‌کنند. این امر می‌تواند به افزایش نارضایتی جریان‌های کلامی افراطی در عربستان هم‌چون سلفی‌های جهادی و رادیکال منجر شده و تبعات بی‌ثبات‌کننده‌ای برای این کشور به همراه داشته باشد.

این تحقیق با هدف مطالعه تأثیر اندیشه توسعه بر روابط نهاد قدرت سیاسی با نهاد مشروعیت دینی در عربستان سعودی به رشته تحریر درآمده و در صدد ارائه پاسخ به این پرسش است که آیا سیاست‌های توسعه‌خواهانه و نوگرایانه نخبگان جدید سعودی می‌تواند به تقابل نهاد قدرت سیاسی و نهاد مشروعیت دینی در این کشور منجر شود؟

پیشینه پژوهشی

به عنایت به دوره زمانی بررسی این تحقیق (۲۰۲۲-۲۰۱۵) و تأکید آن بر نقش نسل جدید نخبگان حاکم، بازه زمانی ادبیات پژوهشی با توجه به این دوره زمانی محدود شده است.

جدول شماره ۱؛ پیشینه تحقیق

عنوان	نویسندگان	سال انتشار	پرسش	نتایج
تبیین توسعه نامتقارن سیاسی - اقتصادی عربستان در سند چشم‌انداز ۲۰۳۰؛ بر اساس نظریه دولت توسعه‌ای لفت ویک	اختیاری و امیری و دهرویه	۱۳۹۷	چرا بعد سیسی توسعه از جایگاه مناسبی در برنامه اصلاحات عربستان برخوردار نیست؟ و چگونه می‌توان لجام و تحقق برنامه‌های توسعه اقتصادی عربستان را در نظام سیاسی غیر دموکراتیک و اقتدارگرای این کشور تبیین نمود؟	برخورداری از یک حکومت دموکراتیک پیش شرط تحقق توسعه اقتصادی در یک دولت توسعه‌ای نیست، عربستان در شرایط کنونی قادر خواهد بود تا برنامه‌های اقتصادی خود را بدون توجه جدی به توسعه سیاسی و در یک ساختار اقتدارگرایانه و غیر دموکراتیک پیگیری کند.
چالش‌های داخلی عربستان در پیشبرد سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ در چارچوب نظریه دولت توسعه‌ای	اختیاری و امیری و دهرویه	۱۴۰۰	برنامه چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان سعودی در ابعاد گوناگون توسعه (اقتصادی، سیاسی و اجتماعی - فرهنگی) با چه چالش‌ها و موانع داخلی مواجه بوده است؟	در بعد اقتصادی، عدم توجه به اصل شایسته‌سالاری در نظام اقتصادی و ناتوانی در ایجاد کارآفرینی رفاه‌محور و ناکامی در بهبود شرایط اقتصادی، در بعد سیاسی فقدان ارتباط عمیق با گروه‌های مدنی و اجتماعی در چارچوب مشارکت سیاسی، و در بعد اجتماعی فرهنگی بی‌توجهی به بنیان‌های مذهبی و سنتی و بافت محافظه‌کارانه جامعه عربستان سعودی، موانع و چالش‌های اساسی سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ را شکل می‌دهند.

<p>شرایط داخلی مؤلفه‌های قدرت و کشورهای منطقه و فرامنطقه‌ای در اجرای سند تأثیر مستقیم دارند و از سویی نیز تحقق سند ۲۰۳۰، در ارتقای جایگاه منطقه‌ای عربستان سعودی تأثیرگذار است.</p>	<p>چه عواملی بر سند ۲۰۳۰ تأثیرگذار بوده و این سند چه جایگاهی در چشم‌انداز توسعه سعودی دارد؟</p>	<p>۱۴۰۰</p>	<p>حاجی‌زاده</p>	<p>جایگاه سند ۲۰۳۰ در چشم‌انداز توسعه‌ای عربستان سعودی</p>
<p>وجود نظام اقتدارگرایانه مهم‌ترین چالش توسعه سیاسی در عربستان سعودی است.</p>	<p>مهم‌ترین چالش‌های توسعه سیاسی عربستان با تأکید بر دوره بن سلمان چیست؟</p>	<p>۱۴۰۰</p>	<p>برزگر و همکاران</p>	<p>چالش‌های توسعه سیاسی در عربستان سعودی در دوران بن سلمان با تأکید بر مدل برنارد کریک</p>
<p>هدف اصلی عربستان از توسعه فن‌آوری‌های فضایی، موشکی و پهپادی حفظ و ارتقای قدرت بازدارندگی و تأمین امنیت است.</p>	<p>چرا عربستان سعودی توسعه فن‌آوری‌های فضایی، موشکی و پهپادی را در پیش گرفته و قدرت‌های بزرگ چه نقشی در تحقق این هدف دارند؟</p>	<p>۱۴۰۰</p>	<p>غریبی</p>	<p>اهداف عربستان سعودی از توسعه فن‌آوری‌های فضایی، موشکی و پهپادی</p>
<p>منشأ تناقضاتی چون گذشته‌گرایی با گذشته‌زدایی، نگرش به جایگاه زن، نگرش به حجاب، برخورد با دستاوردهای تمدن جدید و مواجهه با انتخابات و دموکراسی، در واپس‌گرایی، انعطاف‌ناپذیری و عقل‌زدایی آیین وهابیت و تأکید بر نقل‌گرایی و مخالفت با مظاهر تمدن جدید و انکار تأویل، است که بر نگرش و اصول فکری جریان سلفی‌گری حاکم است.</p>	<p>ریشه و بنیان ناسازگاری میان شیوه حکمرانی در عربستان سعودی با مقتضیات عصر نوگرایی در چیست؟</p>	<p>۱۳۹۸</p>	<p>مهدوی و همکاران</p>	<p>وهابیت و پارادوکس سلفی‌گری در عصر نوگرایی</p>

تحقیقات فوق‌الذکر در سه دسته‌بندی کلان موضوعی قابل بررسی است. دسته نخست، با پژوهش‌هایی چون: اختیاری امیری و دهرویه (۱۳۹۷) و (۱۴۰۰)، برزگر و همکاران (۱۴۰۰) و حاجی‌زاده (۱۴۰۱) قابل بررسی است که هر چهار پژوهش با تأکید بر سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان سعودی به مطالعه روند توسعه در این کشور پرداخته‌اند. دو پژوهش نخست، به دلیل تهدیدات ساختاری ناشی از اصلاحات سیاسی، رهبران سعودی عمدتاً بر جنبه‌های اقتصادی توسعه تمرکز کرده و تلاش نموده‌اند تا صرفاً به اصلاحات جزئی و سطحی در حوزه سیاسی اتکا کنند. با توجه به این موضوع که بر خورداری از یک حکومت دموکراتیک پیش‌شرط تحقق توسعه اقتصادی در یک دولت توسعه‌ای نیست، عربستان در شرایط کنونی قادر خواهد بود تا برنامه‌های اقتصادی خود را بدون توجه جدی به توسعه سیاسی و در یک ساختار اقتدارگرایانه و غیردموکراتیک پیگیری کند. پژوهش سوم (برزگر و همکاران، ۱۴۰۰)، در ادامه دو تحقیق پیشین، به بررسی چالش‌های این سند در چارچوب نظریه دولت توسعه‌ای به این سؤال می‌پردازد که چرا عربستان در تحقق برنامه این سند تا حدود زیادی ناکام بوده است؟ نویسندگان این چنین نتیجه می‌گیرند که عدم توجه به اصل شایسته‌سالاری در نظام اقتصادی و ناتوانی در ایجاد کارآفرینی رفاه‌محور و ناکامی در بهبود شرایط اقتصادی، در بعد اقتصادی؛ فقدان ارتباط عمیق با گروه‌های مدنی و اجتماعی در چارچوب مشارکت سیاسی، در بعد سیاسی؛ بی‌توجهی به بنیان‌های مذهبی و سنتی و بافت محافظه‌کارانه جامعه عربستان سعودی در ابعاد اجتماعی و فرهنگی، موانع و چالش‌های اساسی سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ را شکل می‌دهد. تحقیق چهارم (حاجی‌زاده، ۱۴۰۱) نیز در ادامه فضای مطالعاتی تحقیقات پیشین را در بعد توسعه سیاسی مورد مطالعه خود قرار می‌دهد.

دسته دوم تحقیقات، تا حدودی در امتداد تحقیقات پیشین و با تأکید بر ابعاد نظامی سیاست‌های توسعه‌گرایانه نخبگان جدید سعودی حاکم، به دنبال فهم ماهیت سیاست رهبران جدید این کشور هستند (غریبی، ۱۴۰۰)، این پرسش را مطرح می‌کند که چرا عربستان سعودی توسعه فن‌آوری‌های فضایی، موشکی و پهپادی را در پیش گرفته و قدرت‌های بزرگ چه نقشی در تحقق این هدف دارند؟ این فرضیه را مطرح می‌کند که هدف اصلی عربستان از توسعه فن‌آوری‌های فضایی، موشکی و پهپادی حفظ و ارتقای قدرت بازدارندگی و تأمین امنیت است. در ذیل این هدف کلان، ارتقاء تسلیحات تهاجمی و تدافعی، بهره‌مندی از تجهیزات مدرن اطلاعاتی و ارتباطاتی، دستیابی به اهرم فشار در رقابت‌های منطقه‌ای و جهانی، کسب دستاورد در جنگ یمن، ایجاد تنوع در روابط سیاسی -

نظامی، اصلاح چهره و وجهه بین‌المللی، استفاده از پیوندها و هم‌پوشانی‌های موجود میان این سه فن-آوری و دستیابی به برخی دیگر از کارکردهای صلح‌آمیز و جنگ‌آورانه؛ از دیگر اهداف این کشور است. دسته سوم تحقیقات نیز بر ابعاد اندیشگی و چالش‌های ناشی از ایدئولوژی مذهبی سخن به میان آورده‌اند. مهدوی و همکاران (۱۳۹۸) از همین منظر به تحلیل چالش‌های فراروی سیاست‌های توسعه‌گرایانه در عربستان سعودی پرداخته‌اند، ولی به‌طور مشخص به مبحث مطالعات سیاسی ورود نکرده‌اند و عمدتاً از دریچه مطالعات کلامی و فرق اسلامی به بررسی اندیشه وهابيون سلفی در این زمینه پرداخته‌اند.

وجه نوآوری تحقیق پیش‌رو نسبت به ادبیات موجود بدین صورت قابل ابراز است که تا کنون به نسبت میان اندیشه توسعه‌نخبگان جدید در عربستان با جریان سلفیسم که نهاد مشروعیت دینی در این کشور را نمایندگی می‌کند، توجهی نشده و پیامدهای آن بر ساخت سیاست و قدرت در این کشور نیز به بحث گذاشته نشده است.

روش تحقیق

این تحقیق از روشی ترکیبی برای پردازش داده‌های خود بهره گرفته است. در بعد نخست تحقیق و برای بررسی نحوه تأثیرگذاری اندیشه وهابی بر سمت‌گیری نوین رهبران توسعه‌گرای سعودی و نیز پیامدهای آن بر ساخت سیاست و قدرت در عربستان سعودی، از روش «ردیابی فرآیند» بهره برده شده است. این روش تکنیکی است که در آن تحلیل‌گران کیفی تلاش می‌کنند که مکانیسم‌های علی را مشخص نمایند که متغیر تبیینی را به یک پیامد یا معلول پیوند می‌دهد تا انگیزه‌های رفتاری افراد یا دولت‌ها در فرایند تصمیم‌گیری را کشف و واکاوی نماید (George and McKeown, 1985: 57). تعاریف جدید و متأخرتر از این روش، آن را کاربردی‌تر ساخته‌اند چنانچه حسب یکی از این تعاریف هدف از روش ردیابی فرایند مشخص کردن و بازکردن جعبه سیاه مکانیسم علی در زنجیره علت و معلولی بین متغیر مستقل و متغیر وابسته از طریق داده‌های کیفی است (George and Bennett, 2005: 21). برای این منظور محقق از یک‌سو با بررسی پدیده‌های مرتبط با کنش‌های توسعه‌خواهانه نخبگان حاکم سعودی و از سوی دیگر با بررسی مبانی فکری جریان سفلیت معاصر این کشور، به دنبال شناسایی آن دسته از مکانیسم‌های علی است که بر مؤلفه‌های این تحقیق تأثیرگذار است. اما در بعد دوم تحقیق که به بررسی آینده‌پژوهانه مؤلفه‌های تحقیق اشاره دارد، لذا جهت بررسی نحوه ساخت قدرت در عربستان سعودی و نقش دو جریان عمده قدرت یعنی جریان آل‌سعود که

رهبری سیاسی این کشور را بر عهده دارد و جریان آل شیخ که رهبری دینی را در عربستان نمایندگی می‌کند، از روش تفکری انتقادی تحلیل لایه‌ای علت‌های سهل‌انگاری‌الله بهره گرفته می‌شود. این رویکرد به‌عنوان یک رویکرد ساختارشکن از محقق می‌خواهد که برای تبیین و تحلیل واقعیات موجود هر چه می‌تواند به خارج از سطح اولیه علل نظام‌مند بیان‌دیشد تا بتواند سناریوها و راهبردهای خلاقانه‌تر و ژرف‌تری را برای حل مسائل و چالش‌ها ارائه کند. بر این اساس، روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها، در چهار سطح لیتانی^۱ (تحلیل لایه‌های علی)، سطح علیت اجتماعی^۲، سطح گفتمانی/جهان‌بینی^۳ و در نهایت سطح اسطوره/استعاره^۴ به تحلیل واقعیات می‌پردازد. سطح نخست، آشکارترین و مشاهده‌پذیرترین بخش از ساختار اجتماعی واقعیات‌هاست. این سطح که با معرفت آشکار و عینی سروکار دارد، عامه‌پسند و به طور کامل مشاهده‌پذیراست. در این بخش محقق بدون آن که به بررسی علل بپردازد، صرفاً به آن دسته از رویدادهایی اشاره می‌کند که در سطح عمومی و به طور رسمی از سوی کنش‌گران دخیل در رخداد مورد بررسی این تحقیق نقش داشته‌اند. در سطح دوم، این باور به بحث گذاشته می‌شود که مسائل و پدیده‌ها به خودی خود به وجود نمی‌آیند، بلکه در ساختارها و نظام‌های سیاسی اجتماعی ریشه دارند. از این رو، با پردازش در عرصه‌های مختلف زیست اجتماعی می‌توان به کشف علل در رخداد پدیده‌ها دست یافت. سومین سطح عمیق‌تر مربوط به گفتمان/جهان‌بینی است که آن را مشروعیت می‌بخشد. در این مرحله وظیفه این است که فرآیندهای اجتماعی، زبانی و فرهنگی عمیق‌تری را بیابیم. در واقع، هدف تشخیص مفروضات عمیق‌تر پشت این موضوع در این مرحله بسیار مهم است. در این مرحله، می‌توان بررسی کرد که چگونه گفتمان‌های مختلف مثلاً ایدئولوژی‌ها یا جهان‌بینی‌هایی که از طریق تمدن‌ها بیان می‌شوند، نقشی فراتر از علت یا میانجی بودن موضوع ایفا می‌کنند. سطح چهارم تحلیل - نظام اسطوره‌گی - بنیادی‌ترین سطح در هر نظام اندیشگی را شامل می‌شود و به درونی‌ترین وجه از هر اندیشه تعلق دارد که در آن‌جا مفاهیم بنیادین در قالب نمادها، اسطوره‌ها و یا نظام معنایی - زبانی تشخیص می‌یابد. در واقع غرض از اسطوره، آرمانی است که در پس هر واقعیت اجتماعی قرار دارد و آن را برمی‌سازد. به معنای دیگر، استعاره‌ها و اسطوره‌ها نوعی تولید فرهنگی برای خلق هویت و اقدام‌های فوری و جمعی مقتدرانه در زمان‌های مختلف هستند و ایده‌آل‌های نهفته در پشت واقعیات اجتماعی و سیاسی را توضیح می‌دهد. از این

1. Litany

2. Social Causation Level

3. Discourse/Worldview Level

4. Myth/Metaphor Level

منظر، تغییر در هر واقعیت نیازمند تغییر در این نظام استعارگی و اسطورگی است (Inayatullah, 2004: 16-19).

روش جمع‌آوری اطلاعات در هر یک از سطوح تحلیل چهارگانه بر اساس مطالعات اسنادی اعم از کتب، مقالات و نیز تحلیل‌های رسانه‌ای سامان یافته است.

مبانی نظری: گونه‌شناسی اسلام‌گرایی در عربستان سعودی

جریان اسلام‌گرایی در عربستان را می‌توان در دو شاخه اصلی تقسیم کرد: جنبش وهابیت که اکثریت غالب را به خود اختصاص داده و جنبش شیعیان که به نوعی اسلام سیاسی غیررسمی شیعی را نمایندگی می‌کند و در حاشیه سیاست و اجتماع در این کشور قرار دارد (بهرام‌شاهی، ۱۳۸۶: ۸).

اتحاد تاریخی وهابیت با دولت سلطنتی مطلقه به رهبری سلسله خاندان آل سعود، که بر اثر درآمدهای نفتی بسیار ثروتمند شده بود، جنبش وهابیت را بیشتر وارد عرصه ساخت و در عین حال، به رهبری سیاسی مشروعیت بخشید. ثروت نفت، آموزش گسترده، صنعت چاپ، فن‌آوری، ارتباطات و حمل و نقل آسان را وارد عربستان سعودی کرد و همه اینها به تحکیم پایه‌های وهابیت رسمی انجامید. این چنین وهابیت نجدی پیش از موقع، با حمایت دولت سعودی فراملی شد. رسائل و مکتوبات مذهبی آبابی پایه‌گذار وهابیت و پیروان بعدی‌شان به تمام قاره‌ها منتقل شد. ثروت نفت باعث شد که رژیم سعودی به‌منزله بازیگر عمده بین‌المللی شناخته شود اما وهابیت مشروعیت اسلامی آن را در میان مسلمانان، نه‌تنها در عربستان سعودی بلکه حتی در سطح جهانی، فراهم ساخت. این مشروعیت ناشی از این ادعا بود که دولت سعودی، دولتی توحیدی و پشتیبان شریعت و ارزش‌های اسلامی است و علاوه بر این، پاسدار مقدس‌ترین اماکن دینی اسلام است (رشید، ۱۳۹۳ الف: ۲۶).

جنبش وهابیت نیز خود بر سه شاخه اصلی استوار است: وهابی‌های دولتی محافظه‌کار که اسلام سیاسی رسمی را در این کشور نمایندگی می‌کنند و بیشترین نمود و بروز و ظهور را در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی این کشور دارند؛ وهابی‌های معترض که اسلام سیاسی غیررسمی سنی را نمایندگی می‌کنند و خود مشتمل بر وهابی‌های اصلاح‌طلب، وهابی‌های سلفی سنتی غیررسمی و وهابی‌های جهادی هستند؛ و دسته سوم که لیبرال‌های اسلامی را شکل می‌دهند که از حیث اعتبار و منزلت در ساختار سیاست و اجتماع، حلقه بسیار کوچکی از نخبگان سعودی را نمایندگی می‌کنند (فوزی و هاشمی، ۱۳۹۴: ۲۰۷-۲۰۱). لذا، با توجه به سهم عمده وهابی‌های دولتی محافظه‌کار در ساخت سیاست و اجتماع در عربستان سعودی در این تحقیق بر این بخش از کنشگران

دین مدار سعودی تمرکز می‌شود. این بخش از روحانیون را می‌بایست هسته اصلی تشکیل دهنده سلسله مراتب دینی در ساختارهای راهبردی سعودی همچون شورای عالی قضایی، اعضای هیات کبار العلماء و جامعه مفتیان عربستان سعودی دانست.

هر چند بر پایه اطلاعات موجود بیش از ۸۵ درصد از جمعیت ۳۴ میلیونی عربستان (General Authority of Statistics, 2019) را باورمندان به مذهب فقهی حنبلی تشکیل می‌دهند، با این وصف، در خصوص میزان جمعیت قائلین به جریان وهابیت در عربستان آمار دقیقی در دسترس نیست. بر پایه یکی از معدود منابع خبری موجود در دسترس، بر اساس مطالعات مردم‌شناسانه میشل ایزدی، استاد علوم اجتماعی در مؤسسه فن‌آوری نیویورک، جمعیت وهابی‌های ساکن در عربستان، بیشترین فراوانی وهابیون را در میان تمام کشورهای اسلامی به خود اختصاص داده است. با این حال، وهابیت در قیاس با دیگر فرق و مذاهب اسلامی، در اقلیت قرار دارد، ولی به دلیل تعصبات و افراط‌گرایی‌های خود بیشترین بروز و ظهور را داشته و توجهات بین‌المللی را به خود معطوف داشته است (Izady, 2000). لذا، به باور قریب به اتفاق پژوهشگران غربی و اسلامی، وهابیت را نمی‌توان نماینده اسلام دانست.

تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس سطوح تحلیل

۱- سطح لیتانی یا تحلیل لایه‌های علی

در این بخش به بررسی کنش‌های اعلانی و اعمالی رهبران سیاسی و دینی سعودی و یا کنش‌های منبعث از اندیشه سلفیسم پیرامونی پرداخته می‌شود تا میزان تطابق و سازواری این دیدگاه‌ها با اندیشه توسعه و تمایلات توسعه‌خواهانه در حال حاضر در این کشور مشخص شود.

۱-۱- عرب‌های افغان (هسته نخست القاعده) و پیامدهای آن

یکی از برجسته‌ترین نمودهای اندیشه سلفیه سنتی در دوران جنگ سرد، حمایت از شکل یافتن و آموزش ایدئولوژیک گروه‌های جهادی در افغانستان تحت اشغال شوروی بود که بعدها هسته‌های مبارزان افراط‌گرای سازمان القاعده را تشکیل دادند؛ گروهی که اصلی‌ترین مظنونان حملات تروریستی به برج‌های دوقلوی مرکز تجارت جهانی در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ معرفی شدند.

بر اساس بخشی از یک گزارش ۱۶ صفحه‌ای که توسط پلیس فدرال آمریکا (اف بی آی) در ۴ آوریل ۲۰۱۶ تنظیم شده و توسط دولت این کشور از حالت طبقه‌بندی خارج شده است، ۱۵ نفر از

۱۹ عامل هواپیماربابی و حملات یازده سپتامبر سال ۲۰۰۱ از جمله دو مهاجمی که هواپیماها را به برج‌های دوقلوی سازمان تجارت جهانی در نیویورک کوبیدند، از اتباع عربستان سعودی بودند. البته این گزارش اگرچه احتمال وجود رابطه میان مهاجمان و عربستان سعودی را تقویت می‌کند؛ با این حال، هیچ سند و مدرکی برای پیگرد حقوقی پادشاهی سعودی را در اختیار خانواده‌های قربانیان قرار نمی‌دهد (یورونیوز فارسی، ۲۰۲۱/۰۹/۱۲).

۲-۱- اقدامات تروریستی گروه‌های اسلام‌گرای سلفی

یکی دیگر از پیامدهای قدرت‌یابی پدیده سلفیسم جهادی که با حمایت غیر مستقیم مقامات سعودی، هسته اولیه آن شکل گرفت، تکثیر الگوی کنش‌گری باورمندان به اندیشه سلفیه در دیگر کشورهای اسلامی و یا غیراسلامی در قالب تحریک و تهییج ایشان نسبت به اصل تقدیس عمل برای زدودن مصادیق شرک و کفر در جهان است که این امر منجر به رشد یکباره اقدامات تروریستی به امکان و یا نمادهایی شد که به زعم ایشان نماد شرک بودند. فهرست طولانی از اقدامات تروریستی گروه‌های افراط‌گرای اسلامی هم‌چون القاعده و داعش در اقصی نقاط جهان وجود دارد و تمامی این اقدامات با بهره‌گیری از تکنیک وحشت حداکثری و عمدتاً با پوشش و یا پیوست رسانه‌ای صورت پذیرفته است.

۳-۱- نگرش فقهی و فتاوی مفتیان سعودی نسبت به پدیده‌های جهان معاصر

عبدالعزیز بن عبدالله بن باز: «اعتقاد به دوران یا چرخش زمین باطل است و کسی که به این فرضیه باور داشته باشد، کافر است؛ برای این که این فرضیه با قرآن کریم «وَالْجِبَالُ أَوْتَادًا^۱» و قوله (جل و ع)^۲ «وَأَلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ^۲» منافات دارد» (بن باز، ۱۴۰۲: ۱۷).

عبدالکریم بن صالح الحمید: «از جمله این اعتقادات باور به کروی بودن و چرخش زمین است ... و باور به دوران زمین، خطایی بسیار بزرگ‌تر از نظریه جهش و تکامل انسان از میمون است» (الحمید، ۱۴۱۲: ۳۲-۱۲).

عبدالعزیز بن باز: «ساختن معابد در جزیره برای کفار، نه مسیحیان و نه دیگران جایز نیست و آنچه در آنجا ساخته شده است، باید با توانایی تخریب شود. حاکم باید آن را خراب کند و از بین ببرد و

^۱. سوره نبا، آیه ۷

^۲. سوره غاشیه، آیه ۲۰

اصول یا سنگرهای شرک و کلیساها و معابد را در جزیره باقی نگذارد، بلکه باید از جزیره خارج شود تا فقط مساجد و مسلمانان در جزیره {العرب} باقی بمانند» (بن باز، بی تا، ج. ۳: ۲۸۶).
محمد صالح المنجد، مفتی سعودی در پی بارش برف در بسیاری از کشورهای عربی منطقه با صدور فتوایی درست کردن آدم برفی را حرام دانست. (BBC, 15 January, 2015)

۴-۱- اقدامات دولتمردان جدید سعودی

به باور برخی پژوهشگران، عربستان اساساً یک شرکت گسترده و بزرگ خانوادگی است؛ شرکتی به ثبت رسیده به نام موسسه اسلامی آل سعود (Elliott House, 2012)، لذا آن نیرویی که می‌تواند به ساخت قدرت و نظام سیاسی در این کشور شکل بخشد، تنها محدود به دولتمردان خاندان حاکم می‌شود. در این بخش اقدامات متنوع و بی‌سابقه‌ای در عربستان در حال وقوع است: که می‌توان به تدوین برنامه سند چشم‌انداز ۲۰۳۰، اعطای حق راندگی به زنان، اعطای حق رأی به زنان، جواز تماشای رویدادهای ورزشی و فرهنگی با حضور تماشاگران زن و مرد در کنار یکدیگر، برگزاری کنسرت‌های مختلط با حضور برخی از چهره‌های جنجالی و مشهور موسیقی غربی، برگزاری مسابقات کشتی ترکیبی زنان در استادیوم بین‌المللی ریاض، حضور رسمی در جشنواره فیلم کن، رایزنی برای جذب تهیه‌کنندگان خارجی برای تولید فیلم اشاره کرد؛ و یا در حوزه فن‌آورانه می‌توان به پروژه بلندپروازانه ابرشهری آینده‌نگارانه مشهور به نئوم، اشاره کرد که از طریق آن حاکمان جدید سعودی می‌کوشند تا اقتصاد ملی عربستان از خام‌فروشی نفت به درآمد‌های ناشی از تولید فن‌آورانه تغییر مسیر دهند و این کشور را به قطب خاورمیانه‌ای برای فن‌آوری و نوآوری تبدیل نمایند. برگزاری اجلاس داووس صحراً^۱ نیز دقیقاً با همین رویکرد در دستور کار حاکمان تازه‌کار توسعه‌خواه و جاه‌طلب سعودی قرار دارد.

۲- سطح علیت اجتماعی

۲-۱- هم‌نوایی فقه با قدرت حاکمه

هر چند در برخی موارد در سطح عینی و مشاهده‌پذیر تحلیل اشاره شد، بین آنچه سنت‌گرایان تا قبل از روی کار آمدن نخبگان جدید در عربستان آن را ترویج می‌دادند و در فتاوی خود بدان تمسک می‌نمودند با آنچه در دوران جدید اعلان می‌نمایند، تفاوت آشکاری وجود دارد. اصولاً مذهب در شکل رسمی خود در عربستان سعودی نمی‌تواند در مقام اپوزیسیون جریان حاکم قرار گیرد و خصلت

^۱. Davos in the Desert

محافظه‌کارانه تاریخی اندیشه سیاسی اهل سنت و روحیه تعامل‌گرایانه ایشان با نظم حاکم و سلسله مراتب قدرت، مانع از آن می‌شود که رویکردهای رادیکال و ساختارشکنانه‌ای را در برابر نظامات سیاسی موجود اتخاذ کنند و همان‌طور که در قضیه رانندگی زنان نشان داده شد، ویژگی عمل‌گرایانه در فقه سلفی موجب می‌شود تا همواره فقه در راستای تحکیم پایه‌های قدرت و مطابق با خواست قدرت، همراه گردد. برای مثال در زمینه جواز رانندگی زنان در عربستان، پیشتر هیئت کبار العلمای عربستان در سال ۱۹۹۰ میلادی، با صدور فتوایی رانندگی زنان را به دلیل مخالفت با شرع مقدس حرام اعلام کرده بود، اما این مسئله در قبال فشار خاندان سلطنتی با حکم پادشاه، سلمان بن عبدالعزیز ملغی گردید و هیات کبار العلماء نیز به سرعت در حساب رسمی خود در توئیت از حمایت خود از این تصمیم پادشاه سعودی خبر داد. عبداللطیف آل‌الشیخ، رئیس سابق هیات امر به معروف و نهی از منکر و مشاور پادشاه پیشین سعودی نیز در حمایت از این دستور پادشاه، اعلام نمود جواز رانندگی به زنان هیچ مانعی در شرع ندارد. این در حالی است که چندی پیش از صدور این فرمان ملکی، فتوای شیخ عبدالعزیز آل‌الشیخ در این زمینه از این قرار بود: «راندن ماشین {توسط زنان} ممکن است درهای شرّ را به روی آن بگشاید و امور آن کنترل نشود؛ پس واجب است که این امر را تأیید نکنیم زیرا این امر خطرناکی است که زنان را در معرض شرّ قرار می‌دهد» (الجزیره، ۲۷/۹/۲۰۱۷). لذا، تغییر در فتاوی از این منظر امری طبیعی است.

۲-۲- هم‌پیوندی جریان فقهی با جریان قدرت

هرچند طی دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ جریان محافظه‌کارانه‌ای در میان علمای فارغ‌التحصیل از دانشگاه‌های دینی شکل گرفت، که هدف خود را رها کردن وهابیت از زنجیر اتحاد و اتفاق بین خاندان سلطنت و دستگاه مذهبی مستقر اعلام می‌کردند. به زعم صحویان، روحانیون وهابی به استخدام حکام سعودی درآمده و از جایگاه مدافع شریعت، به موضع سخن‌گویی و خادم سلطنت تبدیل شده‌اند؛ زیرا هر گونه اقدام آنان را مشروع جلوه می‌دهند (رشید، ۱۳۹۳: ب: ۱۲۶-۱۲۷)، با این همه، جریان صحوی را نمی‌توان نماینده جریان غالب وهابیت در عربستان قلمداد نمود.

به عنوان یک مفروض تاریخی، یکی از ویژگی‌های بنیادین ساخت حکومت سعودی از منظر تبارشناسانه، هم‌پیوندی دو جریان آل سعود و آل شیخ (فرزندان محمد بن عبدالوهاب) است. چراکه بنیان‌گذار وهابیت، تبلیغ خود را در پرتوی قدرت محمد بن سعود آغاز نمود و سلطنت محمد بن سعود نیز بر پایه این اندیشه قوام یافت (Blanchard, 2008: 2).

لذا پایه‌های قدرت و مشروعیت در تعامل میان دو جریان وهابیت درباری و خاندان سلطنت شکل گرفته و طبعاً امکان نفی هیچ یک از سوی دیگری وجود ندارد چرا که نفی هر یک از این اضلاع به معنای نفی هویت تاریخی و هدم بنیان‌های فلسفی، فقهی و نفی مشروعیت سیاسی از دولت حاکم است. تالی دیگر این دیدگاه آن است که بسیار دور از ذهن خواهد بود نخبگان سعودی بخواهند خلاف واقعیت نهاد سنت در این کشور و نیز هویت برساخته آن به عنوان مقدس‌ترین سرزمین اسلامی و جایگاه ویژه آن‌ها در جهان اسلام که در واقع اصلی‌ترین منبع قدرت نرم عربستان محسوب می‌شود، تصمیمی اتخاذ نمایند؛ لذا، نخبگان حاکم برای پیشبرد برنامه‌های توسعه‌گرایانه خود، سعی در همراه ساختن جریان سنت در این کشور داشته و در صورت عدم همراهی آن دسته از چهره‌های مخالف با رویکرد جدید، به اشکال مختلف همچون حصر و یا زندان مانع از مداخله غیرسازنده ایشان در روند برنامه‌های حکومت می‌شوند. دستگیری، حصر خانگی و یا زندان تعداد قابل توجهی از مقامات سعودی و نیز روحانیون نوسلفی در این کشور را می‌توان از این منظر تحلیل نمود.

۲-۳- اشتراک منافع در منزلت و جایگاه عربستان در جهان اسلام

یکی دیگر از علل همراهی و یا سکوت جریان سنت‌گرا در مواجهه با رویکردهای توسعه‌طلبانه نخبگان حاکم که تبعات آن بخشی از هنجارهای دینی سابق در این کشور را متأثر از خود می‌سازد، منافع مشترکی است که هر دو جریان سنت‌گرا و جریان هیات حاکمه سعودی از جایگاه فعلی عربستان در میان مسلمانان جهان دارند؛ طبعاً عربستان از امّ القریای خود برای پیشبرد سیاست‌هایش در منطقه و جهان اسلام بهره فراوانی می‌برد و درآمدهای ناشی از ورود گردشگران مذهبی به دلیل وجود اماکن مقدسه در مکه و مدینه، منجر به ورود حجم قابل توجه منابع ارزی در این کشور می‌شود و از طرف دیگر از این کشور نقشی پدرسالارانه در جهان اسلام برمی‌سازد و به نوعی مولّد نوعی قدرت نرم برای این کشور در جهان اسلام می‌شود. از سوی دیگر، ایدئولوژی وهابی نیز با تمسک به این مؤلفه‌ها و از طریق نهادسازی‌هایی چون رابط العالم الاسلامی، از ظرفیت قابل توجهی برای پخش در دیگر نقاط جهان برخوردار می‌شود.

۳ - سطح جهان‌بینی و گفتمان

گفتمان سلفی- وهابی حاکم در عربستان سعودی با گفتمان مدرنیته از منظرهای مختلفی با یک- دیگر تفاوت دارند که به‌طور عمده این تعارضات در بنیان‌های معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و روش‌شناسی ایشان استوار است.

۱-۳- از منظر جریان سلفیه راه برون‌رفت از چالش‌ها و مشکلات فراروی ممالک اسلامی، بازگشت به سلف صالح است که در واقع نوعی گذشته‌گرایی را مورد تأکید و تقدیس خود قرار می‌دهد. این موضوع که در آثار متفکران برجسته این جریان نیز به چشم می‌خورد، - به‌زعم ایشان - عمدتاً بر نوعی احساس حسرت از گذشته طلایی در تاریخ اسلام که در مرحله دوران زیست نبی مکرم (ص) و خلفای راشدین است^۱ برجسته می‌شود و آرمان خود را در آن جستجو می‌کند؛ در حالی که اساس مدرنیته، تأکید و ترجیح از امر در حال شدن است و به نوعی می‌توان مدرنیته را گفتمانی رو به جلو و آینده‌نگر دانست که در نقطه مقابل گفتمان سنت‌گرای سلفی قرار دارد (استونز، ۱۳۷۹: ۸۰).

۲-۳- یکی از تبعات و پیامدهای وجه تمایز نخست در نسبت میان ویژگی‌های زندگی عصری و مقتضیات گفتمان سنت‌گرای وهابی با گفتمان مدرنیته قابل بررسی است. به‌طوری که اساساً گفتمان مدرنیته در ساخت هستی‌شناسانه خود امری پویا با نمودها و نمادهای پرشمار و متنوعی است که بر اساس پذیرش نوعی فرهنگ تکثرگرایی عینیت یافته است (شجاعی‌زند، ۱۳۸۶: ۳۷)، در حالی که گفتمان سلفی اساساً با هر گونه اجتهاد و یا خلق امری که در دوره سلف صالح بدان تصریح نشده باشد از باب مخالفت درآمده و آن را حرام شرعی قلمداد می‌کند (بن باز، ۱۴۱۶، ج. ۱: ۱۸۳؛ ج. ۵: ۱۱۹).

۳-۳- یکی دیگر از پیامدهای تفاوت در نظام معرفت‌شناختی مدرنیته و سلفیسم در منابع شناخت جلوه‌گر می‌گردد به‌طوری که اساساً مدرنیته شکل متجسم اندیشه مدرنیسم است که بر مبنای پوزیتیویسم منطقی استوار است و هر آن‌چه را قابل وارسی و ابطال‌پذیری نباشد، امری غیرعلمی قلمداد می‌کند (استونز، ۱۳۷۹: ۸۰)، در حالی که سلفیسم (عمدتاً طرفداران مذهب فقهی حنبلی که وهابیت نیز از درون آن نضج گرفته است) در بعد شناخت‌شناسی خود قائل به نوعی تاریخی‌نگری در منابع شناخت است و آن‌چه را به‌عنوان حقیقت و اعتبار می‌پذیرد، صرفاً در قرآن؛ سنت؛ قول صحابه و فقها؛ قیاس؛ اجماع؛ مصالح مرسله و سد الذرائع جستجو می‌کند (ابن تیمیه، ۲۰۰۵، ج. ۱۲: ۶). لذا، در حالی که اقوال صحابه و تابعین برای جریان سلفیسم امری دارای اعتبار است، در اندیشه مدرن، هر

۱. طبعاً این باور مورد تأیید جریان امامیه نیست و دوره خلفا نمی‌تواند نماینده دوره طلایی اسلام باشد چه این که این باور علاوه بر تصریحات محققان شیعی، در میان برخی از محققان اهل سنت نیز به نقد گذاشته شده تا جایی که در مورد خلیفه سوم، این مطلب نمایان‌تر است. قوم‌گرایی و مقدم داشتن بنی امیه بر همگان هم‌چون نصب ولید بن عقبه بن ابی معیط به فرمانداری کوفه و یا انتصاب برادر رضاعی خود، عبدالله ابی سرح به فرمانداری مصر، دنیاگرایی و تجمل‌پرستی، نحوه برخورد با مخالفان هم‌چون نحوه برخورد او با ابودر غفاری (حجتی، ۱۳۷۷: ۴۰۷؛ جعفریان، ۱۳۹۴، ج. ۲: ۱۴۹؛ دینوری، ۱۳۶۸: ۱۳۹؛ ابن اعثم کوفی، ۱۴۱، ج. ۲: ۳۷۶؛ ابن قتیبه دینوری، ۱۴۱۰، ج. ۱: ۵۱).

امری برای مورد پذیرش قرار گرفتن می‌بایست قابل واریسی و اثبات باشد و بدون وجود حجت‌های علمی، نمی‌توان بر نظر و دیدگاهی اعتبار علمی قائل شد.

۳-۴- یکی دیگر از پیامد تفاوت‌های معرفت‌شناختی بین دو گفتمان مدرنیته و سلفیسم در نوع تفسیر ایشان از دین باز می‌گردد؛ بدین معنا که اساساً مدرنیته نقشی حداقلی برای دین در زیست اجتماعی قائل است و اصل اساسی آن در این رابطه بر سکولاریسم بنیان یافته است. از همین منظر در الاهیات مدرن اساساً سخن از خدایی به میان می‌آید که پس از خلق جهان، در اداره امور آن دخالت چندانی ندارد (باربور، ۱۳۶۲: ۳۰۸). همچنین تفکیک دین از فرهنگ و سنت در راستای اندیشه مدرن برای ارائه نسخه‌ای جهانی از دین، باعث تقویت مفهوم سلفی‌گرایی و در نهایت، تقویت دوگانه مفهومی سکولاریسم و سلفی‌گرایی گردید که این امر به بنیادگرایی ختم شد (صدر، ۱۴۰۰: ۱۱۳).

۳-۵- از منظر هستی‌شناسی، مدرنیسم بر ارزش‌هایی چون اومانیزم تأکید دارد حال آن‌که اندیشه سلفیسم، ایمان به خدای یگانه و مبارزه با هرگونه نماد شرک را از اصلی‌ترین مؤلفه‌های هستی‌شناختی و اعتقادی خود معرفی می‌کند. از همین منظر و تبعات اعتقادی دیگر، این منطق هستی‌شناختی در اندیشه سلفی، تقدیس عمل برای نیل به اهداف عالی خود و تجویز کنش‌های عمل‌گرایانه ناب هم‌چون جهاد، عملیات‌های انتحاری یا به تعبیر ایشان عملیات‌های استشهادی است در صورتی که منطق اومانیزمی اندیشه مدرنیسم اساساً با این مفاهیم و تجویزهای عمل‌گرایانه ایدئولوژیک بیگانه است.

در مجموع، هر چند دو گفتمان مدرنیسم و سلفیسم در حوزه‌هایی چون معرفت‌حسی و طرد و تحقیر عقل کلی یا عقل برهانی اشتراک عقیده دارند، چنان‌چه اساساً بعد از معرفت‌شناسی کانت که ضربه‌ای اساسی به خردگرایی فلسفی است، فیلسوف خردگرای برجسته دیگری در غرب ظهور نکرده است و این روی دیگر سکه‌ای است که این تیمیه، برهان عقلی را نسبی، متغیر و غیرواقع‌نما می‌داند (بهرامی و مشکات، ۱۴۰۱: ۱۲۷)، با این حال، وجوه تفاوت میان این دو به قدری وسیع و پر دامنه است که به دو جهان‌شناخت متفاوت از یک‌دیگر تبدیل می‌شوند که در میدان عمل می‌تواند با توجه به تقدیس عمل در اندیشه سلفیسم به کنش‌های مواجهه‌جویانه با اندیشه مدرنیسم و مصادیق آن بینجامد و بر تقویت روندهای واگرایی بین این دو نظام اعتقادی بیفزاید که در سطح لیتانی به برخی از این مصادیق اشاراتی شد.

۳-۶- یکی دیگر از نمودهای برجسته-اما در حاشیه- جنبش وهابیت در عربستان سعودی، جریان موسوم به صحویون است. صحویون از حزب سیاسی یا سازمان معین واحدی جانب‌داری نمی‌کنند و

ممکن است به جنبش‌های اسلامی مختلف تعلق داشته باشند. برای مثال، گروه‌هایی هستند که با دو شاخه اخوان المسلمین قرابت دارند؛ شاخه پیروان حسن البنا و شاخه پیروان سید قطب. این‌ها در چند سازمان ملی و پان‌اسلامیستی و نیز در چندین دانشگاه و حلقه فکری تمرکز دارند. با این حال، این برآورد بسیار کلی است و بر توصیف اخوان سعودی از موقعیت خودشان در نقشه دینی-سیاسی عربستان سعودی تکیه دارد. همچنین گروه‌هایی وجود دارد که جهت‌گیری سیاسی‌شان را از شیخ محمد سرور زین الدین سوری، از روحانیون سلفی می‌گیرند که از اخوان المسلمین سوریه جدا شده است (Al-Rasheed, 2002: 75).

نقطه عطف گذار جریان الصحوه به مرحله جدید، به واقعه ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ و موج خشونت‌هایی که شهرهای سعودی را فراگرفته بود، باز می‌گردد. صحنه‌های برجسته در برابر فرصتی که رژیم برای تحت فشار قرار دادن آن‌ها پیدا کرده بود، در موضع دفاعی قرار گرفتند. رژیم سعودی با دستگاه‌های تبلیغاتی خود، خشونت جهادی را محصول اندیشه‌ها و آراء صحویون قلمداد می‌کرد. رژیم با این تبلیغات دو هدف را دنبال می‌نمود: نخست، از یک‌سو دامان خود را از تروریسم که ادعای غربی‌ها و دولت آمریکا بود، پاک کند و از سوی دیگر، اتهامات غربی‌ها را که معطوف به خود رژیم بود، متوجه اپوزیسیون جهادی نماید و توجیهی برای پاک‌سازی آن‌ها بیابد. در این دوره حساس، رابطه بین حکومت و صحنه‌ها با وابستگی متقابل مشخص می‌شود. با ادامه اتهامات، صحنه‌ها خودشان را نه تنها از گفتمان جهانی اسامه بن لادن و نظریه‌پردازان جهادی محلی، بلکه از اسلام‌گرایان مخالف خارجی نیز دور نگه داشتند. بلافاصله پس از یکی از مرگ‌بارترین حملات تروریستی در می ۲۰۰۳، شخصیت‌های صحنه هم‌چون الحوالی، العوده و بسیاری از شیوخ صحنه دیگر با انتشار بیانیه‌ای این حملات را محکوم کرده و جهادی‌ها را که به نوعی محصول آراء و اندیشه‌های دوره اول آنان بودند، به عنوان جوانانی گمراه و نادان نکوهش کردند. از آن پس، انتشار چنین بیانیه‌هایی پس از هر حمله تروریستی در عربستان سعودی و خارج امری متعارف شد. با انتشار فهرست تروریست‌های تحت تعقیب از سوی حکومت، شیوخ صحنه از جهادی‌ها خواستند که از خشونت عریان دست بردارند و خونریزی و ناآرامی را کنار بگذارند. از این‌رو، شیوخ صحنه برای تبرئه خود از به عهده گرفتن مسئولیت طغیان جهاد و جهادی‌ها، در تکاپو افتادند. اما تأثیر و نقش این گروه بر حوزه اندیشه توسعه و پیشرفت در عربستان سعودی را می‌توان در این عامل دنبال نمود که اساساً نهضت اصلاح اسلامی، محصول جریان الصحوه بود. طی دهه ۱۹۹۰ این جنبش مصائب علمای صحنه زندانی و پیروانشان را به اطلاع عموم رساند. با طغیان خشونت در عربستان سعودی پس از ۱۱ سپتامبر، صحنه‌ها یک

کمپین دشمن‌انگاری را علیه نهضت اصلاح اسلامی در عربستان و رهبر آن به راه انداختند. علمای صحوی با انتشار اعلامیه‌ای، «خارج‌نشینانی را که قصد تضعیف کشور و رفاه آن را دارند، محکوم کردند. صحوی‌ها با محکوم‌سازی تظاهرات‌ها به عنوان فعالیت سیاسی نامشروع، دیدگاه وهابیت رسمی را اتخاذ کردند. در ژوئن ۲۰۰۵، چهل و یک شیخ بیانیه‌ای را در تقبیح «اقدامات موجد فتنه» امضا کردند (رشید، ۱۳۹۳ پ: ۱۵۳). این امر به ایجاد نوعی تکثر و اختلاف در میان جریان الصحوه تعبیر می‌شد. علی‌رغم نقش و تأثیر این جریان در میان بخشی از نخبگان دینی و مذهبی اسلامی در داخل و خارج از عربستان سعودی، این گروه را نمی‌توان نماینده جریان غالب در میان جنبش وهابیت دانست و سیاست‌های محمدبن سلمان نیز عملاً در راستای محدودسازی و به حاشیه‌راندن این جریان از صحنه سیاست و اجتماع در عربستان سعودی است که دستگیری و زندانی نمودن شمار زیادی از روحانیون وهابی در همین راستا ارزیابی می‌شود.

۴- سطح اسطوره‌های

۴-۱- انسان محوری

یکی از اسطوره‌های مکنون در مدرنیسم باور به اومانیزم یا انسان محوری است. انسان محوری در اندیشه مدرنیسم شالوده جهان‌زیست بعد از رنسانس در غرب را شکل می‌بخشد که بر اساس آن، انسان میزان کلیه ارزش‌ها و فضائل از جمله حق و حق‌گرایی است؛ تا جایی که برخی انسان‌گرایی را به عنوان ایمان به خدای حقیقی یعنی ایمان به خود انسان یاد می‌کنند. این در حالی است که اساساً اسطوره در نگرش سلفی، سلف صالح است و انسان از این رو برای این اندیشه ارزش است که وجود سلف صالح آن را معنا و مفهوم می‌بخشد. لذا، تعارض اساسی در نگاه انسان‌شناخت در حوزه نظم اسطوره‌گی خود را برجسته می‌نماید.

۴-۲- فرا/انسان

یکی دیگر از وجوه تمایز میان اندیشه سلفیت و اندیشه مدرن در نوع تفسیری است که از فرا انسان روایت می‌کنند؛ چنان‌چه در حالی که اساساً اندیشه مدرن درصدد هستند تا قدرت فراطبیعی فرا انسان را با ملاک علم توجیه نمایند و به نوعی وجه قدسی فرا انسان را از او بزدایند و ماهیتی غیر قدسی برای آن ایجاد نمایند، اندیشه سلفیسم بنیان معرفتی خود را برای قدسی‌انگاری فرا انسان یا به تعبیری دیگر، سلف صالح قرار داده و بخش عمده‌ای از نظام معنایی خویش را بر اصول خدشه‌ناپذیری

چون عدالت صحابه قرار داده که سرباز زدن از پذیرش آن، تخلفناپذیر است (ابن اثیر، ۱۴۰۹ ق، ج. ۱: ۱۰؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ ق، ج. ۱: ۲).

۳-۴- علم‌باوری

یکی دیگر از اسطوره‌های جهان‌زیست معاصر، علم است. تبدیل علم به اسطوره که حرف آخر را مباحث و مجادلات فکری در جهان مدرن می‌زند، حاصل خردگرایی رنسانس، شناخت جزئی‌نگر و غلبه روش مشاهده در فرایند معرفت است. این اسطوره امروز در قالب‌های مختلفی خود را بروز و ظهور می‌دهد و به‌عنوان گزاره‌هایی خدشه‌ناپذیر و قطعی قلمداد می‌شوند. مثلاً «دانشمندان بر این باورند...» یا «تحقیقات نشان می‌دهد...»، علم را تبدیل به یک اسطوره و نماد دوره مدرن تبدیل کرده است. این اسطوره در اندیشه سلفیت با چالش‌های فراوانی روبروست و چنان‌چه در بخش لیتانی اشاره شد، فتاوی علم‌ستیزانه علمای سلفی نشان از پایه‌های غیرعلمی و متصلب آن دارد.

۴-۴- زن‌باوری

فمینیسم^۱ یا زن‌باوری یکی دیگر از مؤلفه‌ها، نمادها و اسطوره‌های جهان مدرن است. اندیشه فمینیسم در اشکال گوناگون خود هم‌چون فمینیست‌های لیبرال، دیدگاهی، سوسیالیست / مارکسیست و فمینیست‌های پست مدرن، همگی به دنبال راه‌هایی هستند تا زنان را به عرصه سیاست و اجتماع باز گرداند و موانع تاریخی و اجتماعی در مقابل خود را زیر سؤال می‌برند و به دنبال افزودن دیدگاه زنانه به جهان هستند و یا این که تعریف از زن به عنوان یک برساخته و محصول اجتماعی را جایگزین زن به مثابه یک جنس نمایند (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۸: ۵۲۰-۵۱۲). به هر نحو، اسطوره زن در اندیشه مدرن نقشی محوری داشته حال آن که اساساً اندیشه سلفیسم نگاه متفاوتی به زن دارد و نمی‌تواند به سادگی از کلیشه‌های تاریخی خود نسبت به زن کناره‌جویی نماید.

۵-۴- دموکراسی

حکومت مردم بر مردم یا دموکراسی یکی دیگر از عناصر اسطوره‌گی جهان زیست مدرن است؛ این مسئله که در تعارض ذاتی با اقتدارگرایی قرار دارد، نگاه شالوده‌شکنانه نسبت به مسئله حکمرانی دارد و جهت حکومت را از پائین به بالا مشروع می‌داند. حال آن‌که اساساً فقه و اندیشه سیاسی در فقه

^۱. Feminism

اسلامی و به طور خاص فقه اهل سنت، وجه التزام مشخصی نسبت به مشروعیت دینی حکومت‌ها دارد و نمی‌تواند نسبت به آن بی‌تفاوت باشد. مضاوی رشید نیز در همین راستا، جریان لیبرال عربستان را یک خرده گروه بی‌نظم و بی‌قاعده و سیاسی می‌داند که طیف‌های مختلف شیعه، سنی، وهابی، سکولار، ناصری و دیگر اندیشه‌ها را در خود جای داده است (رشید، ۱۳۹۳: ۱۲۷)؛ جریانی که به واسطه همین تشویش و پریشانی ذاتی خود، نمی‌تواند منشاء تولید اندیشه دموکراسی‌خواهی در این کشور تلقی شود. در نتیجه، نظم مبتنی بر نظام آریستوکراسی اولیگارشیک درباری موروثی حاکم در عربستان سعودی نمی‌تواند پذیرای اندیشه دموکراسی‌خواهی در این کشور باشد.

۴-۶- کثرت‌گرایی^۱

کثرت‌گرایی یا پلورالیسم یکی دیگر از اسطوره‌های جهان زیست مدرن است که بر پایه نوعی نسبت‌انگاری و عدم مطلق‌انگاری استوار است. مکتبی فکری که حقیقت، رستگاری و نجات را منحصر در یک تفکر، دین، فرهنگ و ... نمی‌داند، بلکه همه مؤلفه‌ها را مشترک بین همه مکاتب می‌داند، به نحوی که در همه آن‌ها به صورت خواه برابر و خواه نابرابر توزیع شده است. لذا هر مکتبی وجهی از حقیقت است و به معنای دیگر هیچ حقیقت نابی وجود ندارد. این اسطوره نیز در تقابل با اندیشه سلفیسم قرار دارد که خود را تنها نماینده حقیقی اسلام دانسته و دیگر مکاتب و مذاهب را مظهر کفر و شرک می‌داند (معرفت، ۱۳۷۸: ۲۰-۲۷).

سنجش روایی محتوایی

روایی محتوا نشان می‌دهد یک مقیاس چه میزان پژوهش را سنجش می‌کند. روش‌های متعددی برای سنجش روایی وجود دارد که CVI^۲، روش مناسب است (حبیبی، ۱۳۹۷). در این روش، گویه‌ها با مقادیر کوچکتر از ۰/۷، مردود و مقادیر بین ۰/۷ تا ۰/۷۹، قابل بازبینی و مقادیر بزرگ‌تر از ۰/۷۹، قابل قبول هستند. مضامین احصا شده در میان سطح چهارگانه تحلیل، بر اساس طیف لی‌کرت به صورت انتخاب یکی از وضعیت‌های چهارگانه با مقادیر: ۱- غیرمرتبط ۲- نیاز به بازبینی ۳- نسبتاً مرتبط ۴- کاملاً مرتبط، در اختیار ۱۱ نفر از متخصصین علوم سیاسی و روابط بین‌الملل قرار گرفت تا میزان مرتبط بودن هرگویه را مدعای تحقیق را اعتبارسنجی نمایند. برای محاسبه، تعداد پاسخ‌گویان

1. Pluralism

2. Content Validity

3. Content Validity Index

گزینه‌های ۳ و ۴ بر کل پاسخ‌گویان تقسیم شده است. نتایج حاصله در جدول ذیل منعکس شده است. (Cvi = تعداد پاسخگویان به ۳ و ۴ تقسیم بر تعداد کل پاسخگویان)

جدول شماره ۲: اعتبارسنجی یافته‌های تحقیق

سطح تحلیل	گویه‌ها	فراوانی پاسخ‌گویان	Cvi	Cvi کل
	نگرش فقهی و فتاوی مفتیان سعودی نسبت به پدیده‌های جهان مدرن	۱۱	۸.۱	۸.۱۵
	اقدامات نسل جدید نخبگان سعودی در عرصه قدرت و حاکمیت	۱۱	۸.۲	
علیت اجتماعی	هم‌نوایی جریان سنت‌گرای فقهی با قدرت حاکمه	۱۱	۸.۱	۸.۲
	هم‌پیوندی جریان فقهی با جریان قدرت	۱۱	۸.۱	
	اشتراک منافع جریان سنت‌گرا با جریان قدرت	۱۱	۸.۳	
	در حفظ منزلت و جایگاه عربستان در جهان اسلام	۱۱	۸.۳	
جهان بینی و گفتمان	گذشته‌گرایی (بازگشت به سلف صالح)	۱۱	۸	۸.۲
	تعارض گفتمان سنت با گفتمان مدرن	۱۱	۸.۳	
	تفاوت در نوع تفسیر دین در میان جریان سنت‌گرا و جریان تجددخواه	۱۱	۸.۲	
	ظهور جریان نوسلفی‌گرایی معاصر	۱۱	۷.۹	
اسطوره	انسان‌گرایی	۱۱	۸.۱	۸.۴
	زن‌باوری	۱۱	۸.۱	
	دموکراسی	۱۱	۸.۹	
	کثرت‌گرایی	۱۱	۸.۵	

جدول فوق نشان می‌دهد، مضامین و گویه‌های حاصل از تحقیق، با کسب نمره بالای از ۸.۱۵ روایی محتوایی بالایی برخوردار هستند.

نتیجه‌گیری

با روی کار آمدن نسل جدیدی از حکام سعودی و به‌طور مشخص، با ورود محمد بن سلمان به عرصه سیاست و حکومت در این کشور و نیز نقش فزاینده وی در ساختار قدرت، برخی تحولات در ساخت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فن‌آروانه در عربستان در حال رقم خوردن است که با توجه به تمرکزگرایی قابل توجه قدرت در نهاد پادشاهی، تاکنون منجر به عکس‌العمل شدیدی در برابر اقدامات و سیاست‌های ولیعهد جوان سعودی صورت نگرفته است؛ اقداماتی که تا کنون مسبوق به سابقه نبوده و به نوعی خرق عادت در این کشور محافظه‌کار تلقی شده و گویای سمت‌گیری جدید رهبران این کشور برای همراه ساختن عربستان با مناسبات و ارزش‌های نظام بین‌المللی سرمایه‌داری نئولیبرال است.

با این همه و علی‌رغم برخی اقدامات هنجارشکنانه و تابوشکنانه حکام جدید در جهت نوسازی و هم‌نوایی با ارزش‌های غربی، نمی‌توان از نقش و اهمیت جریان شریعت‌گرای سنتی محافظه‌کار وهابی چشم‌پوشی کرد. به هر صورت، جریان سلفیت یکی از پایه‌های قدرت در این کشور محسوب شده و نفوذ قابل توجه روحانیون سلفی - وهابی در ساختار سیاست و قدرت در این کشور، موجب شده تا اهمیت این طبقه در عربستان سعودی همچنان حائز توجه باشد. به هر نحو دامنه و گستره توجیه‌گری و مشروعیت‌بخشی بر اقدامات توسعه‌خواهانه نخبگان سعودی محدود بوده و تبعات و پیامدهای اقدامات دولت بر ارزش‌های سنت‌گرایان در این کشور می‌تواند به تقویت زمینه‌های چالش و تعارض میان بخشی از وهابیون معترض و به‌طور عمده وهابیون جهادی با دولت حاکم منجر شود.

در مجموع، نمادها و نمودهای توسعه در این کشور را نمی‌توان در اندیشه‌های سلفیت و یا حتی در اندیشه نوسلفیت هم‌چون صحوی‌ها جستجو کرد و اساساً جریان سلفیت در ساخت معنایی خود و نیز نظام اندیشه‌ورزی خود به‌واسطه تمسک شدید به نصّ و کناره‌گیری از جریان عقل‌گرای معاصر اندیشه اسلامی، نمی‌تواند منشاء تولید اندیشه توسعه باشد و یا حتی بر آن تأثیرگذار باشد؛ لذا، آنچه در عربستان سعودی در سال‌های اخیر به عنوان مسیر توسعه یاد می‌شود تنها بر خواست و اراده رهبران سیاسی و شخص ولیعهد این کشور استوار است و وی تلاش می‌نماید تا با عبور از تنگنای حاکمیت شرع در این کشور، مسیر توسعه در این کشور را هموار نماید و به نوعی تمرکز روزافزون قدرت در این کشور در نهاد ولیعهدی نیز می‌تواند دلیلی بر همین مدعا باشد که وی درصدد است کلیه موانع موجود در مسیر سیاست‌های جاه‌طلبانه خود را از میان بردارد.

منابع و مآخذ

فارسی:

- اختیاری امیری، رضا؛ دهرویه، عباس (۱۳۹۷). «تبیین توسعه نامتقارن سیاسی - اقتصادی عربستان در سند چشم‌انداز ۲۰۳۰؛ بر اساس نظریه دولت توسعه‌ای لفت ویک»، **فصلنامه روابط خارجی**، (۳۸): ۱۰: ۲۲۹-۲۵۸.
- اختیاری امیری، رضا؛ دهرویه، عباس (۱۴۰۰). «چالش‌های داخلی عربستان در پیشبرد سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ در چارچوب نظریه دولت توسعه‌ای»، **فصلنامه روابط خارجی**، (۴۹): ۱۳: ۱۴۶-۱۱۳.
- استونز، راب (۱۳۷۹). **متفکران بزرگ جامعه‌شناسی**، ترجمه مهرداد میردامادی، تهران: نشر مرکز.
- باربور، ایان (۱۳۶۲). **علم و دین**. ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی
- برزگر، ابراهیم؛ خرمشاد، محمدباقر؛ رهبر، عباسعلی؛ عالیشاهی، عبدالرضا (۱۴۰۰). «چالش‌های توسعه سیاسی در عربستان سعودی در دوران بن سلمان با تأکید بر مدل برنارد کریک»، **مطالعات بین‌المللی**، (۴): ۱۷: ۸۶-۶۷.
- بهرام‌شاهی، مهدی (۱۳۸۶). «وهابیون و هویت شیعی در عربستان». **پگاه حوزه**، شماره ۲۲۷. قابل دسترس در: <http://ensani.ir/fa/article/63832> / دیده شده در ۹ آبان ۱۴۰۱.
- بهرامی، حمزه علی؛ مشکات، عبدالرسول (۱۴۰۱). «مقایسه معرفت‌شناسانه گفتمان مدرنیته و جریان سلفیه سنتی؛ همگرایی‌ها و واگرایی‌ها». **الهیات تطبیقی**، ۱۳ (۲۷): ۱۳۲-۱۱۷.
- بی بی سی (۱۵ ژوئن ۲۰۱۵). «جدل فی السعودیه بشأن فتوی تحریم صنع رجل الثلج». قابل دسترس در https://www.bbc.com/arabic/middleeast/2015/01/150112_saudi_arabia_snowfalls_fatwa، دیده شده در ۱۵ آبان ۱۴۰۱.
- بلیس، جان؛ اسمیت، استیو (۱۳۸۸). **جهانی‌شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین**. ترجمه ابوالقاسم راه‌چمنی و دیگران، تهران: ابرار معاصر.
- جعفریان، رسول (۱۳۹۴). **تاریخ خلفا از رحلت پیامبر تا زوال امویان (۱۱ الی ۱۳۲ ه. ق.)**، قم: دلیل ما.
- حاجی‌زاده، سیروس (۱۴۰۱). «جایگاه سند ۲۰۳۰ در چشم‌انداز توسعه‌ای عربستان سعودی»، **مطالعات سیاسی جهان اسلام**، (۴۱): ۱۱: ۱۰۱-۷۱.
- حبیبی، آرش (۱۳۹۷). **آموزش کاربرد نرم‌افزار SPSS**، نشر الکترونیک: پایگاه اینترنتی پارس مدیر.
- حجتی، سید محمد باقر (۱۳۷۷). **اسباب النزول**، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ ششم.

- رشید، مضاوی (۱۳۹۳). **عربستان و جریان‌های اسلامی جدید**. ترجمه رضا نجف‌زاده، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات اسلامی.
- شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۸۶). «بررسی امکان همزیستی دین و مدرنیته». **نامه علوم اجتماعی**، شماره ۳۰: ۳۳-۶۰.
- صدرا، محمد (۱۴۰۰). «سید جمال، سلفی‌گرایی و نواندیشی غربگرایانه: نگاهی آسیب‌شناسانه». **علوم سیاسی**، دوره ۲۴، شماره ۹۳: ۱۱۳-۱۲۸.
- غریبی، محسن (۱۴۰۰). «اهداف عربستان سعودی از توسعه فناوری‌های فضایی، موشکی و پهپادی». **سیاست خارجی**، (۴): ۳۵-۶۵.
- فوزی، یحیی؛ هاشمی، عباس (۱۳۹۴). **جنبش‌های اسلام‌گرای معاصر: بررسی منطقه‌ای**. تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۷۸). «ادیان و مکاتب: پلورالیسم دینی در بوته نقد». **پژوهش‌های اجتماعی اسلامی**، شماره ۱۶: ۱۳-۴۰.
- مهدوی، محمد؛ عباسپور، عمران؛ علیان‌سب، سید حسین (۱۳۹۸). «وهابیت و پارادوکس سلفی‌گری در عصر نوگرایی»، **اندیشه نوین دینی**، (۵۷): ۱۵-۱۰۶-۹۵.
- یورونیوز فارسی (۱۲ سپتامبر ۲۰۲۱). «آمریکا یک گزارش از حملات ۱۱ سپتامبر را از حالت محرمانه خارج کرد؛ سندی از دخالت عربستان منتشر نشد». قابل دسترس در <https://per.euronews.com/2021/09/12/fbi-releases-declassified-9-11-document-after-biden-order-usa-terrorism> دیده شده در ۱۵ آبان ۱۴۰۱

عربی:

- ابن اثیر، عزالدین (۱۴۰۹ق.). **اسد الغابة فی معرفة الصحابة، المحقق علی محمد معوض و عادل احمد عبدالموجود**، ج. ۱، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن اعثم کوفی، احمد بن اعثم (۱۴۱۱ق.). **الفتوح**، تحقیق، شیری، علی، ج ۲، بیروت: دار الاضواء.
- ابن تیمیه، احمد بن عبد الحلیم (۱۴۲۶ هـ). **بیان تبلیس الجهمیة، مجموعة من المحققین**، الطبعة الاولى، السعودیة: مجمع الملک.
- ابن تیمیه، احمد بن عبد الحلیم (۲۰۰۵ م.). **مجموع الفتاوی. المحقق انور الباز و عامر الجزار**، الطبعة الثالثة، السعودیة: دار الوفاء.
- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله (۱۴۱۲ق.). **الاستیعاب فی معرفة الاصحاب**، تحقیق علی محمد البجاوی، ج. ۱، بیروت: دار الجیل.
- ابن قتیبه دینوری، عبد الله بن مسلم (۱۴۱۰ق.). **الامامة و السياسة**، تحقیق، شیری، علی. بیروت: دار الأضواء، چاپ اول.

- بن باز، عبدالعزيز (۱۴۰۲ ه. ق.). **الأدلة النقلية و الحسيه على إمكان الصعود إلى الكواكب و على جريان الشمس و القمر و سكون الأرض**. رياض: مكتبة الرياض الحديثه.
- بن باز، عبدالعزيز (بی تا). **مجموع فتاوی العلامة عبدالعزيز بن باز**. مجموعه ۳۰ جلدی، قابل دسترس در کتابخانه مدرسه فقهت بخش اهل سنت به نشانی: <https://lib.efatwa.ir/44357/3/0>
- الجزيرة (۲۰۱۷/۰۹/۲۷). «قيادة المرأة للسيارات بالسعودية.. حين يصبح الحرام حلالا». قابل دسترس در: <https://www.aljazeera.net/news/reportsandinterviews/2017/9/27> دیده شده در ۱۵ آبان ۱۴۰۱.
- الحمید، عبدالکریم بن صالح (۱۴۱۲ ه. ق.). **هدایة الحیران فی مسألة الدوران**. السعودیه: منتدی اهل الحدیث.
- الموقع الرسمي لسماحة الشيخ الامام ابن باز (بی تا). «حكم السفر الى بلاد الكفار و مفسده». قابل دسترس در <https://binbaz.org.sa/fatwas/6748> مشاهده شده در ۱۵ آبان ۱۴۰۱.
- دینوری، ابو حنیفه احمد بن داود (۱۳۶۸). **الأخبار الطوال**، تحقیق: عبد المنعم عامر، مراجعه، جمال الدین شیال، قم: منشورات الرضی.

انگلیسی:

- Al-Rasheed, Madawi (2002). *A History of Saudi Arabia*, University of London.
- Blanchard, Ch., (2008). "the Islamic traditions of Wahhabism and Salafiyye". **Congressional research service**, CRS, No. 21695.
- Elliott House, K., (2012). **On Saudi Arabia: Its People, Past, Religion, Fault Lines -- and Future**, NewYork: Alfred A. Knopf
- General Authority of Statistics (2019). "The total population - General Authority for Statistics". Available at: www.stats.gov.sa/en, 3 April 2019. Viewed in 31 October 2022.
- George, A. L.; Bennett, A., (2005). **Case Studies and Theory Development in the Social Sciences**, Cambridge, MA: MIT Press.
- George, A. L.; McKeown, T. J., (1985). "Case Studies and Theories of Organizational Decision Making", **Advances in Information Processing in Organizations**, 2(1): 21-58.
- Inayatullah, S. (2004). "The Causal Layered Analysis (CLA) Reader: Theory and Case Studies of an Integrative and Transformative Methodology". **Tamkang University Press**. 49 pp.
- Izady, M. (2000). "Demography of Religion on the Gulf". Available at: https://gulf2000.columbia.edu/images/maps/GulfReligionGeneral_lg.png, viewed in: 31 Oct. 2022.
- U.S. Department of State (February 25, 2009). "2008 Country Reports on Human Rights Practices", available at: <https://2009-2017.state.gov/j/drl/rls/hrrpt/2008/nea/119126.htm>, viewed in: 31 Oct. 2022.